Comparative Analysis of U.S. and Russia's Foreign Policy Towards the Iraqi Kurdistan Region and its Impact on Iran

Rahim Bodaghi

Department of Political Sciences, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

karobodaghi@yahoo.com

Hamed Mohagheghnia

Department of Political Sciences, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

mohagheghnia۷۸۷۷@gmail.com

Ruhollah Shahabi

Department of Political Sciences, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

roohollah.shahabi@yahoo.com

Shiva Jalalpour

Department of Political Sciences, Ahv.C., Islamic Azad University, Ahvaz, Iran.

shiva_jalalpoor@yahoo.com

Abstract

The Iraqi Kurdistan region has been considered by the great powers due to the importance of oil resources and its proximity to the four countries of Iran, Iraq, Turkey and Syria. This region has a special place in the strategic estimates of the US and Russian powers after the fall of Saddam and especially with the beginning of the Syrian crisis. The purpose of this article is to answer the question: What has been the foreign policy of the United States and Russia towards the Iraqi Kurdistan region? Hypothesis: While the geopolitical factor of energy has been a common feature of the two countries' foreign policy towards Iraqi Kurdistan, but the approach of the two powers to the Kurdistan region is different in geostrategic terms. While regional power relations and internal dynamics have shaped US foreign policy toward the Kurdish region, structural power relations in the international system, and in particular rivalry with the United States, have shaped Russia's relations with the Kurdish region.

Keywords: *Iraqi Kurdistan Climate, USA, Foreign Policy, Iran, National Security, Russia*

تحلیل مقایسه‌ای سیاست خارجی آمریکا و روسیه در قبال اقلیم کردستان عراق و تأثیر آن بر ایران[1]

رحیم بوداغی
گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران karobodaghi@yahoo.com

حامد محقق نیا
گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران (نویسنده مسئول)
mohagheghnia۷۸۷۷@gmail.com

روح‌الله شهابی
گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران rooholLah.shahabi@yahoo.com

شیوا جلال پور
گروه علوم سیاسی، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران shiva_jalalpoor@yahoo.com

چکیده

اقلیم کردستان عراق به دلیل اهمیت منابع نفتی و قرار گرفتن در همسایگی چهار کشور ایران، عراق، ترکیه و سوریه، همواره مورد توجه قدرت‌های بزرگ بوده است. این منطقه پس از سقوط صدام و به‌ویژه با شروع بحران سوریه، در محاسبات منطقه‌ای قدرت‌های فرامنطقه‌ای از قبیل ایالات متحده و روسیه جایگاه خاصی یافته است. مقالهٔ پیش رو با استفاده از روش توصیفی- تحلیلی به دنبال پاسخ به این سؤال بوده است که «سیاست خارجی آمریکا و روسیه به‌مثابه قدرت‌های فرا منطقه‌ای، در قبال اقلیم کردستان عراق چه بوده و این سیاست چه تأثیری بر جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان کشور همسایهٔ آن داشته است؟» فرضیهٔ مقاله این بوده که عامل ژئوپلیتیک انرژی، وجه مشترک سیاست خارجی دو قدرت فرا منطقه‌ای آمریکا و روسیه در قبال کردستان عراق است؛ با این حال رویکرد دو کشور نسبت به اقلیم کردستان در بعد ژئواستراتژیک تفاوت داشته است: مناسبات قدرت منطقه‌ای و پویش‌های درونی آن سیاست خارجی ایالات متحده را شکل

---

۱. این یک مقاله دسترسی آزاد تحت مجوز CC BY-NC-ND (http://creativecommons.org/licenses/by-nc-nd/۴,۰/) است.

داده و مناسبات ساختاری قدرت در نظام بین‌الملل و به‌ویژه رقابت با ایالات متحده تعیین‌کننده روابط روسیه با اقلیم کردستان بوده است.

واژه‌های کلیدی: *اقلیم کردستان عراق، ایالات متحده آمریکا، سیاست خارجی، ایران، امنیت ملی، روسیه*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۳/۲۷ تاریخ بازبینی: ۱۴۰۰/۱۰/۳۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۱۱/۰۴

فصلنامه روابط خارجی، سال ۱۳، شماره ۴، پیاپی ۵۲، زمستان ۱۴۰۰، صص ۸۷۹-۹۰۱

مقدمه

ســـاختار نظام بین‌الملل و همچنین موازنه قوا در ســـطح جهانی از این لحاظ حائز اهمیت اســـت که بر موازنه قوای منطقه‌ای و بازیگران منطقه‌ای از جمله کردســـتان عراق و کشـــورهای همســـایه‌اش اثر مســـتقیم می‌گذارد. قدرت‌های جهانی از قبیل آمریکا و روسیه با توجه به منابع و امکانات گسترده‌ای که در اختیار دارند به‌راحتی می‌توانند در کردستان عراق مداخله و بازیگری کنند؛ هر چند ممکن است گهگاه با چالش‌هایی از جانب قدرت‌های منطقه‌ای مواجه شوند.

در حال حا ضر موازنه قوای جهانی حول دو محور ا صلی، یعنی پیمان ناتو و پیمان شـــانگهای در جریان اســـت که این دو محور نیز هرکدام به دو بازیگر تقریباً متفاوت تقسیم می شوند. محور ناتو به دو بخش آمریکا و اروپا و محور شانگهای به دو بخش اصلی چین و روسیه تقسیم می‌شود. در حوزه خاورمیانه، به‌خصوص کردســـتان عراق و ســـوریه، نگرانی اصـــلی غرب از گســـترش نفوذ روســـیه اســـت (smith,۲۰۱۳, P.۵). مهم‌ترین تحولی که در سال‌های اخیر در موازنه قدرت جهانی رخ داده است، تغییر رویکرد آمریکا و اتخاذ استراتژی «چرخش محوری به آسیا»[۱] است. یکی از اهداف رویکرد چرخش به آسیا، تجزیه کشورهای منطقه و بالکانیزه کردن آن‌ها ا ست. با توجه به این مو ضوع می‌توان آمریکا را یکی از حامیان پ شت پرده ا ستقلال کرد ستان عراق دان ست. هر چند رابطه آمریکا با دولت‌های عراق و ترکیه مانع از حمایت رسمی آمریکا می‌شود، اما این کشور منافع زیادی از استقلال کردستان عراق خواهد برد که برخی از این منافع عبارت‌اند از:

---

۱. Pivot to Asia

– امضای قراردادهای نظامی با کشور جدید کردستان؛
– امضای قراردادهای نفتی و اقتصادی با کردستان عراق؛
– ایجاد موازنه در مقابل قدرت‌های منطقه‌ای همچون ایران؛
– تقویت موضع اسرائیل در منطقه و ایجاد زمینه‌های همکاری بین کردستان عراق و اسرائیل؛
– مقابله مؤثرتر با گروه‌های تروریستی همچون داعش.

روسیه در مقایسه با آمریکا مواضع منفعلانه‌تری دارد. این دو کشور در حوزه انرژی با کردستان عراق قراردادهای اقتصادی به امضا رسانده‌اند؛ اما در حوزه سیاسی عدم موضع‌گیری شفاف را به موضع‌گیری صریح ترجیح داده‌اند (باقری،۱۳۹۲. ص.۱۷۱). هرچند روابط اقلیم کردستان عراق و شوروی بسیار قدیمی‌تر از روابط آمریکا با آن‌ها است اما از دهه ۱۹۷۰ به بعد روابط دو طرف به سمت سرد شدن حرکت کرد که بعد از جنگ سرد هم ادامه داشت. روسیه در سال ۲۰۰۷ جزء اولین دولت‌هایی بود که دفتر کنسولگری خود در اربیل را باز کرد و از سال ۲۰۱۳ شرکت گازپروم فعالیت خود را در میدان‌های نفتی و گازی حکومت اقلیم کردستان آغاز کرد (Andreas, ۲۰۱۴, p.۹۲).

حمله آمریکا به عراق و تغییر رژیم در عراق را می‌توان نقطه تحول سیاست خارجی سنتی آمریکا به منطقه اقلیم کردستان دانست که همواره مخالف استقلال و خودمختاری این منطقه بود. از سال ۲۰۰۳ که کردهای عراق موقعیت ممتازی به‌واسطه امتیازات مندرج در قانون اساسی دائم عراق (البته با کمک ایالات متحده آمریکا) به دست آوردند، ایالات متحده با حمایت از کردها، سیاست منعطف‌تری در قبال آن‌ها در پیش گرفته است. این مسئله به‌ویژه با تصویب طرح تجزیه عراق در سنای آمریکا در ۷ سپتامبر ۲۰۰۷، مشکلات موجود برای همه‌پرسی در کرکوک، تداوم اختلاف بر سر تصویب قانون نفت در عراق، تصویب توافق‌نامه امنیتی آمریکا و عراق و اولویت یافتن مسائل مرتبط با قومیت، اقلیت و حقوق بشر در سیاست آمریکا، سبب تحولاتی در سیاست خارجی این کشور به اقلیم کردستان شده است.

با وجود این، سیاست ایالات متحده نسبت به منافع و استقلال کردستان از زمان ظهور گروه تروریستی- تکفیری داعش در عراق در سال ۲۰۱۵ تاکنون عوض شده و اقلیم کردستان در مناسبات منطقه‌ای جایگاهی ویژه در سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا یافته است (Hetuti, ۲۰۰۳,p.۱۰۸) که این مسئله سبب نگرانی‌هایی برای روسیه در قبال اقلیم کردستان و پیشبرد اهداف خود در این منطقه شده است. پژوهش حاضر ضمن پاسخ به این سؤال که رویکرد سیاست خارجی ایالات متحده و روسیه به‌عنوان قدرت‌های فرا منطقه‌ای در قبال کردستان عراق چگونه بوده، تأثیر این عوامل را بر ایران (به‌عنوان یک قدرت منطقه‌ای) بررسی کرده است. ادعای مقاله این است که عامل ژئوپلیتیک انرژی وجه مشترک سیاست خارجی آمریکا و روسیه در قبال کردستان عراق بوده است، با این حال رویکرد دو کشور نسبت به اقلیم کردستان در بعد ژئواستراتژیک متفاوت است: مناسبات قدرت منطقه‌ای و پویش‌های درونی آن شکل‌دهندهٔ سیاست خارجی ایالات متحده در قبال اقلیم کردستان و مناسبات ساختاری قدرت در نظام بین‌الملل، به‌ویژه رقابت با ایالات متحده تعیین‌کننده روابط روسیه با اقلیم کردستان بوده است.

در این مقاله ابتدا تلاش می شود بر اساس مفهوم دولت ورشکسته، وضعیت نظام حکمرانی عراق تحلیل شده، سپس سیاست خارجی روسیه و ایالات متحده نسبت به اقلیم کردستان در بستری تاریخی ارزیابی گردد و در پایان آیندهٔ روابط ایران با اقلیم مورد بررسی قرار گیرد.

۱. چارچوب مفهومی: دولت‌های ورشکسته

مفهوم «دولت‌های ورشکسته»[۱] (درمانده) بعد از فروپاشی شوروی در روابط بین الملل شکل گرفت. این مفهوم اولین بار به دست «جرالد هلمن»[۲] و «استیون راتنر»[۳] در سال ۱۹۹۲ به عرصه روابط بین‌الملل راه یافت. البته سابقه استفاده از این عبارت در فضای آکادمیک به سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. مفهوم دولت

---

۱. Failed States

۲. Gerald Hellman

۳. Steven Ratner

های ور شکسته به آن د سته از کشورها ا شاره دا شت که در اثر پایان یافتن کمک های شوروی و نیز جنگ‌های داخلی ناشی از سقوط شوروی، توان اعمال حاکمیت بر تمامی سرزمین خود را نداشتند و به عرصه‌ای برای رقابت و تقابل گروه‌های داخلی در مقابل یکدیگر تبدیل شدند که از حمایت‌های خارجی نیز برخوردار بودند.

تعریف بین‌المللی مشخصی از دولت شکننده وجود ندارد. دولت‌های ورشکسته یا ناکارآمد به دولت‌هایی گفته می‌شود که در کل توانایی حفاظت از مرزهای کشور و تأمین امنیت و نیازهای شهروندان خود را ندارند و نمی‌توانند حداقل شرایط مدنی مانند صلح، نظم و امنیت داخلی را تضمین کنند. دولت ورشکسته مستعد بحران در یک یا چند زیرمجموعه خود است و به عبارتی نسبت به شوک‌های داخلی و خارجی یا بحران‌های داخلی یا بین‌المللی به شدت آ سیب پذیر ا ست. این دولت‌ها با مشکلات داخلی جدی که انسجام و پیو ستگی آن‌ها را تهدید می‌کند روبه‌رو ه ستند یا چالش‌های داخلی مهمی برای نظم سیا سی دارند، در چنین شرایطی که توان تعریف چارچوب‌بندی شده و رایج از مفهومی وجود ندارد به‌ناچار باید برای شناخت و تعریف آن ویژگی‌های مفهوم را بیان کرد.

برخی، دولت شکننده و ناتوان را با ضعف بنیادی آن دولت برای اقدام‌های ضروری در زمینهٔ نیازهای اساسی شهروندان و انتظارهای آنان معرفی می‌کنند. این دولت‌ها به‌طورمعمول قادر به تأمین امنیت، حفاظت از کارکرد قانون و عدالت یا فراهم کردن خدمات اساسی و فرصت‌های شغلی برای شهروندان خود نیستند. بر ا ساس این ویژگی‌ها، سازمان همکاری و تو سعه اقت صادی دولت شکننده را در برآوردن انتظارهای شهروندان و مدیریت تغییرها در مطالبات آن‌ها و به انجام ر ساندن فرایندهای سیا سی ناتوان می‌داند. (OECD,۲۰۱۵). به عقیده «پوتر» دولت ورشکسته را می‌توان بر اساس نابودی عملکردهای حکومت تعریف کرد که از نظر بین‌المللی برای هر دولت شناخته شده ا ست (Potter,۲۰۰۴,p.۴). از نظر «اولسون» فهر ست دولت‌های ور شک سته می‌تواند شامل دولت‌هایی شود که با م شکلات داخلی جدی روبه‌رو ه ستند و انسجام پیو سته آن‌ها را تهدید می‌کند و چالش‌های

داخلی مهمی برای نظم سیاسی دارند (Olson, ۱۹۹۳,p. ۱۸۱). «روبرت لمب» درباره ماهیت و چیستی با تمرکز بر ویژگی ثبات در دولت (به‌طورکلی) اعتقاد دارد که «دولت‌های شکننده در واقع «دولت» به مفهوم انواع باثبات آن نیست؛ چراکه فرایند شکل‌گیری آن‌ها متفاوت است.»(Robert,۲۰۱۵,p.۱۷)

بنابراین ویژگی‌های مشترک دولت‌های ورشکسته عبارت‌اند از: افزایش سطح خشونت‌های سیاسی و جنایی، نبود کنترل بر مرزها، تنش‌های قومی، زبانی، دینی و فرهنگی، ساختارهای ارتباطی و حمل‌ونقل ضعیف، اقتصاد ضعیف و سطوح کم تولید ناخالص داخلی، سطوح بالای فساد، نظام سلامت ضعیف همراه با میزان زیاد مرگ‌ومیر و کاهش امید به زندگی و فرصت‌های آموزشی محدود و میزان زیاد عملیات تروریستی در این ارتباط. «روتبر» به دسته‌بندی ویژگی‌های متعدد و مختلف این دولت‌ها در هشت مؤلفه کلی می‌پردازد: امنیت، ناکارآمدی نهادهای سیاسی و اجرایی مشروع، ناکارآمدی اقتدار و دولت، بحران مشروعیت، بی‌ثباتی اقتصادی، تهدید آفرینی، بحران نا سیونالیسم تباری در برابر نا سیونالیسم مدنی و میزان زیاد خشونت سیاسی (Rotber,۲۰۰۳,p.۳۳).

مجله سیاست خارجی و بنیاد صلح نیز با استفاده از یافته‌های تحقیقات بانک جهانی با تعیین دوازده شاخص برای دولت‌های شکننده در ابعاد اجتماعی، اقتصادی و سیاسی به تعیین مصداق‌ها و درجه‌بندی این دولت‌ها در میان همه کشورهای جهان اقدام کرده‌اند، با این فرض که این ویژگی‌ها کم‌وبیش در میان همه کشورهای جهان یافت می‌شود؛ اما آنچه دولت‌های شکننده را از دیگر دولت ها جدا می‌کند، میزان و شدت شکنندگی است.

۲. عراق به‌مثابه دولتی ورشکسته

دولت عراق هم‌اکنون مصداق بارزی از یک دولت ورشکسته است. حزب بعث و تشکیلات سیاسی آن بیش از سه دهه عراق را اداره کرد و نقش مهمی در موقعیت منطقه‌ای و بین‌المللی این کشور داشت. نظام سیاسی که طبق ایدئولوژی و موازین حزب بعث در عراق شکل گرفت، نظامی تک‌حزبی و توتالیتر بود که تمام قدرت را در یک نفر متمرکز می‌کرد و نظامیان در آن، شورای فرماندهی انقلاب و چهار

پست کلیدی حکومتی یعنی ریاست جمهوری، نخست‌وزیر، وزارت دفاع و وزارت کشور را در اختیار داشتند. با یک بررسی اجمالی در تاریخ عراق از ۱۹۲۰ به این سو، می‌توان گفت که دولت حاکم بر این کشور یک دولت بی‌ریشه یا فاقد پایگاه اجتماعی یا مقبولیت فراگیر بوده و یک دولت- ملت فراگیر که تجلی نهادین و فراگیر همه گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی باشد شکل نگرفته است. الگوی حاکم بر فرایند ملت سازی در عراق از زمان «ملک فیصل» تا سقوط « صدام»، از نوع همانندسازی اجباری یا ادغام تحمیلی و سرکوبگرانه گروه‌بندی‌های قومی کُرد، ترکمن و ارمنی در هویت ملی عربی و نیز سرکوب شیعیان از سوی اقلیت حاکم عرب‌زبان سنی‌مذهب بود (سردارنیا، ۱۳۹۱، ۱۷۰). در وضع کنونی که عراق تحت تأثیر بیگانگان است، هرچند نظام سیاسی آن بر اساس قانون اساسی به‌صورت دموکراتیک و از سه قوه مجریه، مقننه و قضائیه تشکیل شده است، هنوز نمی‌توان درباره کارایی آن یا رسیدن به ثبات کامل اظهارنظر کرد.

بازیگران مهم و تأثیرگذار در سطح دولت مرکزی عراق را می‌توان به سه دسته اصلی شیعیان، کردها و اعراب سنی تقسیم کرد. معیار این تقسیم‌بندی، وجود «شکاف اجتماعی» بزرگ و سنتی در عراق است. نخستین شکاف، نژادی است که عراق را به دو جامعه کرد و عرب تقسیم کرده و شکاف دوم، مذهبی است که موجب تشکیل دو جامعه شیعه و سنی شده است. بر این اساس جامعه عراق به سه بخش تقریباً مجزا و قابل‌تفکیک عرب شیعه، عرب سنی و کردها تقسیم شده است (باقری،۱۳۹۲، ص.۶۳).

مهم‌ترین عوامل بی‌ثباتی و خشونت داخلی کشور عراق را می‌توان به شرح زیر دسته‌بندی نمود:

۱) غلبه فرهنگ و باورهای قوم محور و مذهبی بر تحزب و بازیگران گروهی پس از سقوط صدام؛

۲) نبود اجماع و تساهل بین بازیگران و گروه‌بندی‌های قومی و مذهبی؛

۳) حکمرانی ضعیف و تشدید و خشونت‌ها؛

۴) استمرار حضور آمریکا و تشدید خشونت‌ها.

بر اســـاس این ویژگی ها می‌توان گفت که مردم عراق به دلیل تاریخ منحصربه‌فرد خود، دارای فرهنگ سیاسی خاصی شده‌اند که فرهنگ خشونت و ســـتم‌پذیری بارزترین نمونه آن اســـت. همین امر، در ظهور و تداوم دولت‌های دیکتاتور و سرکوبگر مثل رژیم صدام حسین نقش مؤثری داشته است.

جامعه و انسان امروز عراقی حاصل تاریخ عراق‌اند و از حافظه تاریخی شان تأثیر می‌پذیرند. حافظه تاریخی مردم عراق به‌گونه‌ای باور نکردنی به حضـــور پررنگ خشـــونت عادت کرده اســـت و این حافظه تاریخی، شـــکل‌دهنده ذهنیت مشترک اجتماعی‌ای است که رفتاری چون ستیز را معنادار و امنیتی می‌کند.

۳. سیاست خارجی روسیه در قبال اقلیم کردستان عراق

بر اساس یکی از گزاره‌های مبنایی در سیاست خارجی روسیه، طی تاریخ سیاست بین‌الملل، هیچ قدرت بزرگی پدیدار نگشته، مگر اینکه در سایر مناطق دارای متحد راهبردی و به تعبیر واضـــح‌تر حوزه نفوذ باشـــد. روســـیه که خود را در نقش یک قدرت بزرگ بین‌المللی می‌بیند در خاورمیانه به دنبال حوزه نفوذ جدید است. طی سال‌های پس از فروپاشی شوروی حکومت‌های طرفدار روسیه در خاورمیانه یا از قدرت کنار رفتند، یا جایگاه منطقه‌ای آن‌ها تضعیف شد یا اینکه مشی غرب‌گرا را جایگزین مشـــی روس‌گرا نمودند. به این ترتیب، کرملین ناچار از یافتن متحدان جدید در خاورمیانه بود و در این راســـتا اقلیم کردســـتان عراق یکی از مناطقی بود که توجه او را جلب کرد (محمدی و خالدی، ۱۳۸۹، ص.۱۰۳).

صـــرف‌نظر از تنگناهای راهبردی که روســـیه را به یافتن حوزه نفوذ جدید در منطقه ســـوق می‌دهد، ژئوپلیتیک مناطق کردی در مجاورت و پیوند ســـرزمینی با ترکیه، ایران، ســـوریه و عراق نه‌تنها برای روســـیه، بلکه برای هر قدرت بین‌المللی جذاب است. اهداف روسیه در گسترش مناسبات با کردها علاوه بر یافتن حوزه نفوذ جدید در خاورمیانه و حذف نشـــدن از معادلات راهبردی این منطقه، مقابله با افراط‌گرایی، مشـــارکت در پروژه‌های انرژی در اقلیم کردســـتان عراق، یافتن ابزاری مؤثر در جهت تنظیم مناســـبات با ســـوریه، عراق و به‌ویژه ترکیه (با توجه به رقابت‌های راهبردی با این کشـــور) اســـت. مضـــاف بر آن کردها دارای گرایش‌های

سکولار هستند و به همین دلیل زمینه همکاری روس‌ها با آن‌ها بیش از اعراب فراهم است. درنهایت اینکه نگاه روسیه به سوریه راهبردی است و روس‌ها نه‌تنها برای پیشبرد سیاست‌های خود در خاورمیانه، بلکه برای توسعه نقش و اجرای مطلوب‌تر سیاست‌های خود در مدیترانه شرقی به کردها که بخشی از بدنه جمعیتی سوریه را تشکیل می‌دهند نیاز دارد (کولانی، ۱۳۷۴، ص.۸۴).

در دهۀ ۹۰ روابط روسیه با کردها وارد مرحله جدیدی شد. در این دوره، سیاست ترکیه در حمایت از چچنی‌ها و تلاش برای نفوذ در خارج نزدیک روسیه موجب رنجش روس‌ها شد و در مقابل، مسکو با حمایت از کردهای جدایی‌طلب، آنکارا را در محاق و تنگنا قرار داد؛ اما در پی سفر «رجب طیب اردوغان» به روسیه در اوایل روی کار آمدن حزب عدالت و توسعه مناسبات دو طرف بهبود یافت. یکی از نتایج این بهبودی، کاهش کمک مسکو به جدایی‌طلبان کُرد در ترکیه بود. طی این سال‌ها به‌خصوص از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۱ روابط اقتصادی روسیه و ترکیه دائماً حجیم‌تر شد (چگنی‌زاده و آثارتمر، ۱۳۸۸، ص.۹۸).

تا قبل از ظهور کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ در ترکیه، سیاست روسیه و ترکیه در جنگ داخلی سوریه در برابر یکدیگر بود؛ اما تا قبل از آن، نقش کردها در فرایند بحران داخلی سوریه، آینده ساختار حکومت در این کشور و حتی آینده منطقه، مورد توجه فزاینده کرملین قرار گرفته بود؛ اما با تمام این شرایط، ترکیه همواره نسبت به نقش و جایگاه کردها حساس است و افزایش نقش و قدرت منطقه‌ای آنان را علیه منافع راهبردی خود می‌انگارد. با توجه به کردنشین بودن بخش‌های قابل‌توجهی از کشور ترکیه و گرایش به جدایی‌طلبی در میان برخی از کردها، هرگونه قدرت‌گیری جریان‌های کردی در منطقه، برای ترکیه یک تهدید امنیتی جدی تلقی می‌شود. مخصوصاً که مذاکرات آشتی ملی با «پ‌ک‌ک»[1] نیز در پی حادثه تروریستی «سوروچ» ناکام ماند. با این حال روند تحولات به‌گونه‌ای بود که نه‌تنها کردهای ترکیه، بلکه کردهای سوریه و عراق نیز توانستند نقش و قدرت خود را ارتقا دهند و از بسیاری محدودیت های پیشین رهایی یابند

---

۱. P.K.K

(Gordon,۲۰۱۲,p.۶۱).

به‌موازات توسعه روابط آمریکا با کردها، کرملین نیز با هدف عقب نماندن از رقابت راهبردی با واشنگتن، روابط خود را با کردها ارتقا بخشید. موضوع افراط‌گرایی و انرژی مهم‌ترین زمینه همکاری‌های طرفین است. این روابط سه شاخه دارد که رابطه با کردستان عراق، چنانکه به آن اشاره خواهد شد، در شاخه سوم قرار دارد:

شاخه اول، رابطه روسیه با کردهای ترکیه: در این حوزه هم گروه‌های شبه‌نظامی (پ‌ک‌ک) و هم گروه‌های سیاسی (حزب دموکراتیک خلق با هدایت و رهبری سلیمان دمیرتاش) مورد توجه کرملین قرار داشته‌اند. حتی اردوغان روسیه را متهم کرد که از پ‌ک‌ک حمایت نظامی می‌کند، هرچند کرملین این اتهام را رد کرده است. با این حال سرنگونی یک فروند بالگرد ارتش ترکیه در نواحی شرقی این کشور، تنها چند روز پس از سرنگونی بمب‌افکن سوخو ۲۴ روسیه (در مرز سوریه با ترکیه به‌وسیله هواپیمای اف ۱۶ ترک)، این ظن را در آنکارا پدید آورد که بالگرد مذکور به دست گروه پ‌ک‌ک و به‌وسیله موشک‌های ضد هوایی روسی سرنگون شده است. به‌هرحال ترک‌ها به شدت دربارهٔ منا سبات روسیه با کردها نگران هستند؛ چراکه علی‌رغم تروریستی خواندن پ‌ک‌ک از سوی آمریکا و کشورهای اروپایی، روس ها هیچ گاه آن ها را تروریستی قلمداد نکردند (Hevian,۲۰۱۶,p.۹۵).

شاخه دوم، رابطه روسیه با کردهای سوریه: طی سال‌های جنگ داخلی در سوریه، روسیه از کردها حمایت تسلیحاتی و سیاسی نمود. مقامات روس از جنگیدن سربازان این کشور در کنار کردهای سوریه علیه افراط‌گرایان داعش خبر دادند و به‌علاوه مقادیری سلاح در اختیار آن‌ها گذاشتند. روسیه همچنین بر حضور نمایندگان کردهای سوریه در مذاکرات آشتی ملی سوریه در ژنو اصرار می‌کرد؛ امری که با مخالفت جدی ترکیه همراه بود. کرملین همچنین اجازه تأسیس دفتر کردهای سوریه در مسکو را صادر کرد. این اقدامات از سوی ترکیه با نگرانی دنبال می‌شد؛ چراکه از دیدگاه آن‌ها حزب اتحاد دموکراتیک سوریه (PYD) درواقع شعبه

سوری پ‌ک‌ک است (Al-monitor, ۲۰۱۶,p.۲۱)

شاخه سوم، رابطه روسیه با کردستان عراق: روابط روسیه با حکومت اقلیم کردستان عراق که در شاخه سوم قرار دارد، طی سال‌های اخیر توسعه یافته است؛ اما علاوه بر موضـــوع مقابله با افراط‌گرایی، وجود حجم زیادی از ذخایر انرژی در قلمرو اقلیم زمینه دیگری برای همکاری بوده اســـت. مســـکو در ســـال ۲۰۰۳ کنسولگری خود را در اربیل دایر کرد تا بدین شکل زمینه‌های همکاری را تسهیل کرده باشـد؛ اما تا سـال ۲۰۱۸ به‌واسـطه ملاحظات معطوف به دولت مرکزی اقدام عمده‌ای برای توسـعه روابط با اربیل انجام نشـد. با حمله داعش به اقلیم، روسـیه مقادیری سلاح در اختیار کردهای عراق قرار داد. این کار تا تابستان ۲۰۱۵ از طریق بغداد انجام می‌گرفت. علاوه بر حمایت تسـلیحاتی، روسـیه در پروژه‌های انرژی اقلیم کرد ستان نیز م شارکت کرد. طرفین در مورد تو سعه میادین نفتی در شاکال، گرمیان و حلبچه نیز به توافق رسیدند (Independent,۲۰۱۶).

درواقع روس‌ها سیاست خارجی خود را به‌گونه‌ای مدیریت می‌کنند که توسعه روابط با یکی از کنشـگران در خاورمیانه به روابط آن‌ها با سـایرین آسـیب نزند. جالب آنکه در مرا سم افتتاح دفتر حزب دموکراتیک سوریه در م سکو هیچ‌یک از مقامات دولتی روس حضـور نداشـتند. روابط نفتی با اقلیم کردسـتان نیز از زمانی آغاز شد که بغداد و اربیل در دسامبر ۲۰۱۴ در خصوص نحوه صادرات نفت اقلیم و چگونگی انتقال وجوه آن به توافق ر سیده بودند. به‌طورکلی صرف‌نظر از تهدید داعش، روابط رو سیه با کردها تابعی از منا سبات این کشور با قدرت‌های منطقه‌ای و فرا منطقه‌ای، به‌ویژه ترکیه و آمریکا بوده ا ست. ا سا ساً نگاه روس‌ها به کرد ستان عراق و حتی سایر کردها ابزاری است و از این جهت، بهبود روابط روسیه و ترکیه در پی عذرخواهی اردوغان از پوتین (به خاطر سرنگونی بمب‌افکن روسیه)، به‌ویژه شتاب گرفتن سیر تغییرات در سیا ست خارجی ترکیه در پی کودتای نافرجام ۱۵ ژوئیه ۲۰۱۶ و سـرانجام ملاقات اردوغان با پوتین در سـن‌پترزبورگ بر سـیاسـت کردی روسیه اثرگذار بود (Hevian, ۲۰۱۶, p. ۹۶).

حکومت اقلیم کردســـتان عراق با دولت مرکزی در موضـــوعاتی چون نحوه

تقسیم بودجه ملی، جغرافیای اقلیم، ظهور گرایش‌های جدایی‌طلبانه در حکومت اقلیم و ... اختلافات جدی داشته‌اند، در چنین فضای پرتنشی، هنر دستگاه دیپلماسی روسیه حفظ و توسعه مناسبات با هر دو طرف کردها و دولت مرکزی عراق بوده است. بر اساس آنچه گفته شد، می‌توان ادعا کرد که روس‌ها همچنان نقش داور ژئوپلیتیک را بازی خواهند کرد. آن‌ها تلاش خواهند نمود تنش‌های احتمالی میان کردها و دولت مرکزی عراق را مدیریت کنند؛ به این شکل که میزانی از حقوق کردها در ازای حفظ تمامیت ارضی تضمین گردد. این ابتکار به‌گونه‌ای هدایت می‌شود که منافع راهبردی روسیه در خاورمیانه به بهترین نحو ممکن تأمین شود (اکبری، ۱۳۸۸، ص.۹۹).

۴. سیاست خارجی آمریکا نسبت به کردستان عراق

درحالی‌که سیاست خارجی ایالات متحده به طور سنتی عراق را یک واحد می‌دانست، تغییرات ساختاری خارجی و داخلی – که هنوز در حال پیشرفت است – سیاست خارجی ایالات متحده را از تماس صرف با کردهای عراق در دهه ۱۹۶۰ به یک رابطه نهادینه‌شده تغییر داده است.

روابط مستقیم ایالات متحده با کردهای عراق از اوت ۱۹۶۹ از طریق کمک‌های اقتصادی آغاز شد. این تحولات خارج از اهمیت کردها، به بافت وسیع‌تر تغییرات ساختاری نظام بین‌الملل در دوران جنگ سرد مرتبط است. روابط پنهانی در حدود ژوئیه ۱۹۷۲ به تماس مستقیم ایالات متحده و کردها در سطح رسمی تبدیل شد. مداخله مستقیم ایالات متحده در خاورمیانه از دهه ۱۹۹۰ به بعد نشانگر دوره جدیدی برای وضعیت سیاست بین‌المللی بود. تماس‌های مستقیم ایالات متحده و تبادل دیدارها و هیئت‌ها با دولت تازه متولدشده اقلیم کردستان (اردیبهشت ۱۹۹۲) به مرحله سوم در روابط دوجانبه آن‌ها منجر شد؛ تا جایی که روابط آشکار و رسمی در دهه ۱۹۹۰ برقرار شد. این مرحله سوم روابط آمریکا با کردهای عراق را از آن پس و تا قرن بیست و یکم تثبیت کرد. این روابط تعاملی رسمی ایالات متحده با حکومت اقلیم کردستان، بذر چهارمین مرحله از تبدیل روابط ایالات متحده و کردها را به یک رابطه نهادینه‌شده با اهمیت استراتژیک از

۱۱ سپتامبر به بعد کاشت که به‌نوبه خود به یک سیاست آشکار کردی ایالات متحده در چارچوب عراق تبدیل شد.

در دوران پس از صدام، گرچه اعلام نشده، این سیاست رسمی ایالات متحده و کردها در قبال کردستان عراق به دعوت رسمی «جورج دبلیو بوش» از «مسعود بارزانی» رئیس جمهور کردستان به کاخ سفید در سال ۲۰۰۵ و تحولات متعاقب آن برمی‌گردد. ریاست جمهوری اوباما مرحله ششم را در روابط ایالات متحده و اقلیم کردستان ایجاد کرد که با سیاست اعلام‌شده کردی ایالات متحده تجلی یافت. انگیزه این امر نه‌تنها به دلیل پیچیدگی‌های ساختاری داخلی عراق، بلکه به علت چالش های گسترده‌تر منطقه‌ای و بین‌المللی خارجی، از جمله ظهور داعش، اختلافات در مورد نقش قانون اساسی حکومت اقلیم کردستان و نقش حیاتی فزاینده اقلیم کردستان در فرایندهای سیاسی عراق بود.

در دوران دولت ترامپ، این رابطه در سطح سیاسی تقویت شد و با توجه به بی‌ثباتی مستمر بغداد، به‌ویژه از زمان انتخابات تاریخی ماه مه ۲۰۱۸ و مشارکت ضعیف در انتخابات که منجر به افزایش درخواست‌ها برای حمایت کردها از روند سیاسی شد، ژنرال «رابرت وایت»، فرمانده نیروی عملیات مشترک، عملیات تصمیم ذاتی در عراق و سوریه، حمایت ایالات متحده از امنیت کردستان عراق را از طریق همکاری نزدیک نظامی و دیپلماتیک تأیید کرد. با این حال، تغییر قابل‌توجهی در سیاست خارجی ایالات متحده نسبت به اقلیم کردستان در دوران اوباما و ترامپ وجود نداشته است (Charountaki,۲۰۲۰).

به‌طورکلی سیاست ایالات متحده نسبت به عراق و منطقه کردستان عمدتاً تحت تأثیر منافع ایالات متحده در حفظ هژمونی، ثبات و از بین بردن تمام محدودیت‌هایی بوده که مانع از بازسازی سیستم منطقه‌ای در خاورمیانه شده است.

۵. تأثیرات رویکرد سیاست خارجی آمریکا و روسیه بر ایران

عامل کردها نیز در سه دهه گذشته عامل مهمی در سیاست خارجی منطقه‌ای ایران بوده است. مدت کوتاهی پس از شروع جنگ ایران و عراق در سال‌های ۱۹۸۰–۱۹۸۸، دولت عراق شروع به جلب نظر حزب دموکرات کردستان ایران به‌عنوان

اهرم بالقوه در تلاش های جنگی خود کرد. در ژانویه ۱۹۸۱، رژیم بعثی عراق، اولین مسیر اصلی تأمین تسلیحات خود را به حزب دموکرات کردستان در نزدیکی شهرهای نودشه و قصر شیرین ایران ایجاد کرد. تأمین امنیت نودشه هدف اصلی عراق بود، زیرا موقعیت استراتژیک این شهر باعث می شد ایران از بزرگراه بغداد–تهران استفاده نکند. حزب دموکرات کردستان به‌نوبه خود امیدوار بود با تکیه بر سلاح‌های تأمین شده توسط عراق و آن‌هایی که از انبارهای نظامی در داخل ایران دستگیر شده بودند، «مناطق آزادشده کرد» را در سراسر کردستان ایران ایجاد کند. با این حال، در اواخر ۱۹۸۱، تنش‌ها علیه حزب دموکرات کردستان و عراق شروع شد؛ زیرا نیروهای ایرانی توانستند تلفات سنگینی به نیروهای عراقی در جبهه شمالی وارد کنند و آن ها را از مرز عبور دهند. در نتیجه، نیروهای ایرانی مجموعه‌ای از حملات تضعیف‌کننده را علیه حزب دموکرات کردستان انجام دادند و آن‌ها را به یک عامل نظامی حاشیه‌ای در طول بیشتر جنگ ایران و عراق تبدیل کردند (Entessar,۲۰۱۸).

در سال ۱۹۸۳، ایران شروع به بازی با کارت کُردی خود علیه نیروهای بعثی کرد. صدام حسین با جلب حمایت هر دو حزب دموکرات کردستان عراق به رهبری مسعود بارزانی و اتحادیه میهنی کردستان به رهبری «جلال طالبانی» و تشکیل یک جبهه متحد علیه رژیم عراق، در آخرین تلاش برای گره‌گشایی کردهای ایران و کرد، تهدید در شمال، با وعده خودمختاری بیشتر کردها در امور داخلی، کانالی مخفیانه برای مذاکره با کردها باز کرد. بغداد همچنین نگران حملات احتمالی کردها علیه خط لوله استراتژیک و بسیار سودآوری بود که میادین نفتی کرکوک را به بندر اسکندرون در ترکیه متصل می‌کرد. با توجه به حملات متعدد بغداد علیه تأسیسات نفتی ایران، تهران ناگزیر شد که ایمنی خط لوله کرکوک–اسکندرون را تهدید کند. اگرچه ایران هرگز تهدید خود را علیه این خط لوله انجام نداد، اما عراق در برابر حمله احتمالی کردهای تحت حمایت ایران به یکی از مهم‌ترین دارایی‌های اقتصادی خود بسیار هوشیار بود.

پس از پایان جنگ ایران و عراق و با حمله صدام حسین به کویت در سال

۱۹۹۰، محا سبات ا ستراتژیک منطقه به شدت تغییر کرد. با ایجاد «پناهگاه امن» در شـــمال عراق و ایجاد منطقهٔ «پرواز ممنوع» در شـــمال موازی ۳۶، بیش از ۸۰۰۰ نیروی غربی با هدف ظاهری م حافظت از کرد های عراق در برابر ا قدا مات تلافی‌جویانه در این منطقه یا اطراف آن مســتقر شــدند. ایران با عملیات غرب در داخل عراق مخالف بود و می‌ترســید که ایالات متحده از منطقه پرواز ممنوع برای تهدید تمامیت ارضی ایران استفاده کند یا صرفاً به محاصره حفاظت‌شده برای انواع نیروهای مخالف ضــد ایرانی تبدیل شــود. به‌ویژه، تهران به‌شــدت نگران اســتفاده واشــنگتن از حزب دموکرات کردســتان ایران برای بی‌ثبات کردن مناطق مرزی در شمال غرب کشور شد. در آغاز مارس ۱۹۹۳، تهران مجموعه‌ای از حملات بمباران را علیه حزب دموکرات کردســتان و حامیان آن در داخل منطقه پرواز ممنوع انجام داد؛ با این حال، زمانی که منطقه خودمختار کردســـتان نهادهای حکومتی نیمه خودمختار را توسعه داد، تهران کانال‌های ارتباطی را با حزب دموکرات کردستان و اتحادیه میهنی کرد ستان باز کرد، در تجارت سودآور با کرد ستان عراق وارد شد و دفاتر نمایندگی خود را در داخل اقلیم کرد ستان عراق گ شود که این دو کار بزرگ اجازه داد، احزاب کرد عراق در ایران نیز همین کار را انجام دهند (Entessar,۲۰۱۸).

حمله آمریکا به عراق و ســـرنگونی دولت بعث در بغداد فرصـــت و چالش دیگری را برای جمهوری اســـلامی ایران ایجاد کرد تا رویکردی جد ید در قبال کرد ستان عراق طراحی کند. از نظر اقتصادی، اهمیت ایران برای کرد ستان عراق از سال ۲۰۰۳ به طور تصاعدی افزایش یافته و حجم تجارت و سرمایه‌گذاری بین دو طرف به بیش از ۲ میلیارد دلار رســیده اســت. با وجود روابط خوب بین تهران و کردســتان عراق، موانع ســیاســی همچنان وجود دارد. ایران در موارد متعددی به دولت اقلیم کردســتان معترض بوده اســت که به عوامل اســرائیلی اجازه می‌دهد تا علیه منافع ایران از خاک کرد ستان عملیات کنند. ح ضور ا سرائیل، اگرچه آ شکارا توســط مقامات کرد تأیید نشـــده، اما همچنان منبع تنش بین دو طرف باقی‌مانده است.

همان‌طور که «سیمور هرش»[۱]، روزنامه‌نگار تحقیقی، در شماره ۲۸ ژوئن ۲۰۰۴ مجله نیویورکر گزارش داد، اسرائیل در کردستان عراق «حضور چشمگیری» دارد و عوامل اسرائیلی موساد به‌عنوان تاجر در این منطقه مخفیانه کار می‌کنند. عوامل اسرائیلی در ارائه کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم به حزب تازه‌تأسیس کُرد زندگی مستقل (پژاک) که شاخه‌ای از حزب کارگران کردستان ترکیه است نقش داشته‌اند و اقدامات تروریستی در داخل کردستان ایران انجام می‌دهند. حملات تلافی‌جویانه ایران علیه پژاک و سایر نیروهای متخاصم در داخل کردستان عراق همچنان منبع اصلی اصطکاک بین تهران و حکومت اقلیم کردستان است.

دستگیری و متعاقب آن زندانی شدن مقامات ایرانی توسط نیروهای آمریکایی در داخل کردستان عراق در ژانویه ۲۰۰۷ بر روابط معمول بین دو طرف تأثیر گذاشت؛ به‌عنوان مثال، هنگامی‌که ارتش آمریکا به دفتر ارتباط ایران در اربیل حمله کرد و پنج دیپلمات سطح متوسط را که در آنجا کار می‌کردند بازداشت کرد، این حوادث باعث ایجاد شکاف دیپلماتیک بین ایران و حکومت اقلیم کردستان و اقدامات تلافی‌جویانه ایران شد و تهران حملات بمباران خود را در مناطق مرزی و علیه پایگاه های مشکوک پژاک در داخل کردستان عراق تشدید کرد (Entesar,۲۰۱۸,p.۷۸).

بنابراین، سیاست ایران نسبت به کردستان عراق متأثر از تحولات داخلی عراق است. به‌ویژه، سیاست خارجی ایران در قبال کردستان عراق تابعی از سیاست خارجی گسترده‌تر آن در قبال بغداد است. تا زمانی که مرزهای ارضی عراق به چالش کشیده نشود و انسجام داخلی آن توسط مطالبات سیاسی کردها تهدید نشود، ایران می‌تواند روابط صمیمانه خود را با دولت عراق و حکومت اقلیم کردستان حفظ کند. با این حال، اگر بقای عراق به چالش کشیده شود، نگرش جمهوری اسلامی نسبت به اقلیم کردستان تغییر خواهد کرد و سیاست‌های تهران در قبال کردستان عراق به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که هرگونه تأثیر منفی ناشی از آشفتگی بر منافع ملی و منطقه‌ای ایران را به حداقل برساند.

---

۱. Seymour Hersh

به‌طورکلی ازجمله عوامل تاریخی و سیاسی بستر ساز در روابط میان ایران و اقلیم کردستان عراق می‌توان به مواردی چون اشتراکات فرهنگی، همسایگی، **حضور رهبران کرد در ایران، همکاری در زمان جنگ و کمک به کردستان عراق در مبارزه با داعش** اشاره کرد.

در مورد اینکه روابط ایران و کردستان عراق در آینده به چه سمت و سویی خواهد رفت می‌توان گفت روابط تهران و اربیل در آینده نزدیک سیال و حتی غیرقابل‌پیش‌بینی باقی می‌ماند. در برخی مواقع، تحولات پیش‌بینی‌نشده‌ای مانند ظهور دولت اسلامی (داعش) که منافع تهران و اربیل را تهدید می‌کند، دو طرف را به هم نزدیک می‌نماید. زمانی که نیروهای داعش حکومت اقلیم کردستان را تهدید کردند، این ایران بود که هم تجهیزات نظامی و هم پشتیبانی لجستیکی را به آنجا فرستاد و در عملیات نظامی علیه دشمن مشترک خود با حکومت اقلیم کردستان همکاری گسترده‌ای داشت. حتی شهید قاسم سلیمانی، فرمانده نیروهای سپاه قدس ایران، به‌عنوان نشانه‌ای از تقویت روابط ایران و اقلیم کردستان مورد استقبال دولت اقلیم کردستان قرار گرفت. در عین حال، همسویی فزاینده حکومت اقلیم کردستان با ترکیه و دیدگاه راهبردی آنکارا علیه منافع تهران در بغداد و منطقه خلیج‌فارس عمل خواهد کرد. اینکه تهران و اربیل چگونه چشم‌اندازها و اهداف رقابتی و تکمیلی خود را مدیریت می‌کنند، خطوط روابط ایران و اقلیم کردستان را در سال‌های آینده تعیین خواهد کرد.

نتیجه‌گیری

موضوع پژوهش حاضر مسئله اقلیم کردستان عراق و اثرگذاری رویکرد سیاست خارجی آمریکا و روسیه بر این اقلیم بود که طبعاً بر امنیت ملی ایران نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین کشورهای همسایه اقلیم کردستان تأثیرگذار است. حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی و رویکرد سیاست خارجی آن‌ها در قبال اقلیم کردستان عراق، بیش از هر زمان دیگری بر مناسبات و روابط این بازیگر نوظهور بر کشورهای همسایه و به‌خصوص ایران اثرگذار بوده است و پیامدهای مختلف سیاسی و امنیتی برای کشورهای منطقه در پی خواهد داشت. بر این اساس و با توجه به اهمیت این

موضوع برای کشورهای منطقه، به‌ویژه ایران، در پژوهش حاضر، زمینه‌ها، پیامدها و آثار رویکرد سیاست خارجی آمریکا و روسیه در اقلیم کردستان عراق تحلیل و بررسی شد. در این راستا یکی از مهم‌ترین مسائل در مورد کردستان عراق، روابط آن با کشورهای همسایه و برخی دیگر از بازیگران مؤثر منطقه و فرامنطقه بود؛ بنابراین اراده قوی در داخل اقلیم کردستان عراق همچنان در حال پیش بردن روابط با قدرت‌های بزرگ جهانی بوده است. در این چارچوب مهم‌ترین اثری که حضور و نفوذ قدرت‌های خارجی در اقلیم کردستان عراق بر کشورهای همسایه دارند، سرایت مسائل و مشکلات امنیتی به‌خصوص در ارتباط با کردها است.

از بین قدرت‌های فرا منطقه‌ای، آمریکا مهم‌ترین کشوری است که می‌تواند در اقلیم کردستان تأثیرگذاری بیشتری داشته باشد و در فدرالی شدن اقلیم کردستان نیز نقش زیادی ایفا کرده است. در واقع، آمریکا بازیگر اصلی فرا منطقه‌ای در عراق است که هم‌زمان با بغداد و اربیل دارای روابط است؛ از این‌رو درباره اهداف آن نسبت به سایر کشورها از جمله ایران، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. در حال حاضر آمریکا، با استقلال و تجزیه‌طلبی در عراق مخالف است و نسبت به اعلام استقلال کردستان واکنش منفی نشان می‌دهد و در تلاش است به‌نوعی میان دولت مرکزی و اقلیم کردستان آشتی ایجاد کند.

بین مواضع رسمی و غیررسمی آمریکا درباره اقلیم کردستان عراق و تعاملات آن با ایران، تفاوت اساسی وجود دارد. آمریکا بارها به‌صورت رسمی مخالفت خود را با گسترش حضور ایران در عراق و کردستان عراق و همچنین حمایت خود را از عراق غرب‌گرا اعلام کرده است. این مسئله نشان‌دهنده تفاوت در سیاست‌های اعلانی و اعمالی از جانب آمریکا است، این کشور از طرفی به صورت مستقیم با مقامات اقلیم کردستان وارد مذاکره می شود و برای آن‌ها سلاح و مستشار نظامی ارسال می‌کند و از سوی دیگر حمایت خود را از دولت مرکزی عراق اعلام می‌نماید؛ اما در کنار آمریکا و حضور آن در اقلیم کردستان عراق، روسیه موضع محتاطانه‌ای نسبت به کردستان عراق دارد. این کشور تلاش دارد ضمن حفظ مصونیت خود از آثار سیاسی و احتمالاً تعامل گسترده با کردستان عراق، از منافع

اقتصـادی احتمالی اسـتفاده کند. روسـیه با وجود اینکه تأثیر بسـزایی در معادلات جهانی ایفا می‌کند، در مورد اقلیم کردسـتان عراق رویکرد متعادل‌تری را نسـبت به آمریکا اتخاذ کرده اسـت. به همین دلیل، ایران با توجه به ۱۴۵۰ کیلومتر مرز مشترک با عراق که بخش عمده‌ای از آن در منطقه کردستان است، تأثیر زیادی از رویکرد فعالانه سیاست خارجی آمریکا و به میزان کمتری روسیه خواهد پذیرفت. ایران با توجه به دارا بودن شمار زیادی کرد در کشور، بازیگری مستقلانه کردستان عراق را تهدید امنیتی برای خود می‌داند.

منابع

اکبری، حسین (۱۳۸۸). بحران حاکمیت در عراق. چاپ اول، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

باقری، حسین (۱۳۹۲). بازیگران داخلی در ساختار سیاسی عراق نوین و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. *فصلنامه آفاق امنیت، ۵ (۱۹).*

چگنی‌زاده، غلامعلی. آثارتمر، محمد (۱۳۸۸). تحرکات قومی کردها و امنیت ملی ترکیه. *فصلنامه بین‌المللی روابط خارجی، ۱ (۲).*

حق پناه، جعفر (۱۳۸۷). *کردها و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*. چاپ اول، تهران: مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

سردارنیا، خلیل‌الله (۱۳۹۱). عراق، استمرار خشونت و رؤیای دموکراسی: یک تحلیل چند سطحی. *فصلنامه راهبرد، (۶۳)، ۳۶-۷.*

کریمی، پریسا و غلامی، طهمورث (۱۳۹۵). سیاست کردی آمریکا و روسیه، منافع و امنیت ملی ایران. *فصلنامه ژئوپلیتیک، ۱۳ (۲).*

محمدی، حمیدرضا. خالدی، حسین. سلیم‌زاده، ندیمه (۱۳۸۹). خودگردانی شمال عراق و تأثیرات آن بر حرکت‌های قوم‌گرایانه پیرامونی. *فصلنامه ژئوپلیتیک، ۶ (۱).*

Andreas, Jan-Justus (۲۰۱۴), "Iraqi - Kurdistan: Capital of Oil and Gas Exploration – What Does it Mean for Europe?" Institute for Strategic Dialogue

Charountaki.M (۲۰۲۰). "The US-Kurdish Problematique". Retrieved from: https://russiancouncil.ru/en/analytics-and-comments/columns/middle-east-policy/the-us-kurdish-problematique/

Entessar, N. (۲۰۱۸). Uneasy Neighbors: Iran and the Kurdish Regional Government. *Journal of South Asian and Middle Eastern Studies*, ۴۱(۲), ۷۳-۸۴.

Gordon, Remorks Philips (۲۰۱۲), " Bureauof European and Eurasian Affairs" U.S. Department of state, Istanbul Press Roundtable, Assistant Secretary

Hetuti (۲۰۰۳), Duzi Kurd La lraq Wa Mechenizmakani Charasarkerdni.

Hevian, R. (۲۰۱۳). THE MAIN KURDISH POLITICAL PARTIES IN IRAN, IRAQ, SYRIA, AND TURKEY: A RESEARCH GUIDE. *MERIA Journal*, *۱۷*(۲).

Mullah Darwish.S(۲۰۱۶). "Why Syria's Kurds are cooperating with Russia". Retrieved from: https://www.al-monitor.com/originals/۲۰۱۶/۰۶/syria-kurds-accusation-cooperation-regime-russia.html

Smith, B. (۲۰۱۳). The Kurds: new perspectives?. *House of Commons Library*, *SNIA/۶۷۰۸*, ۱۴.

Olson, M. (۱۹۹۳). Dictatorship, democracy, and development. *American political science review*, *۸۷*(۳), ۵۶۷-۵۷۶.

Potter, D. W. (۲۰۰۴). State responsibility, sovereignty, and failed states. In *Australasian Political Studies Association* (p. EJ).

Rotberg, R. I. (Ed.). (۲۰۱۰). *When states fail: Causes and consequences*. Princeton University Press.